

## دو سال پیش!

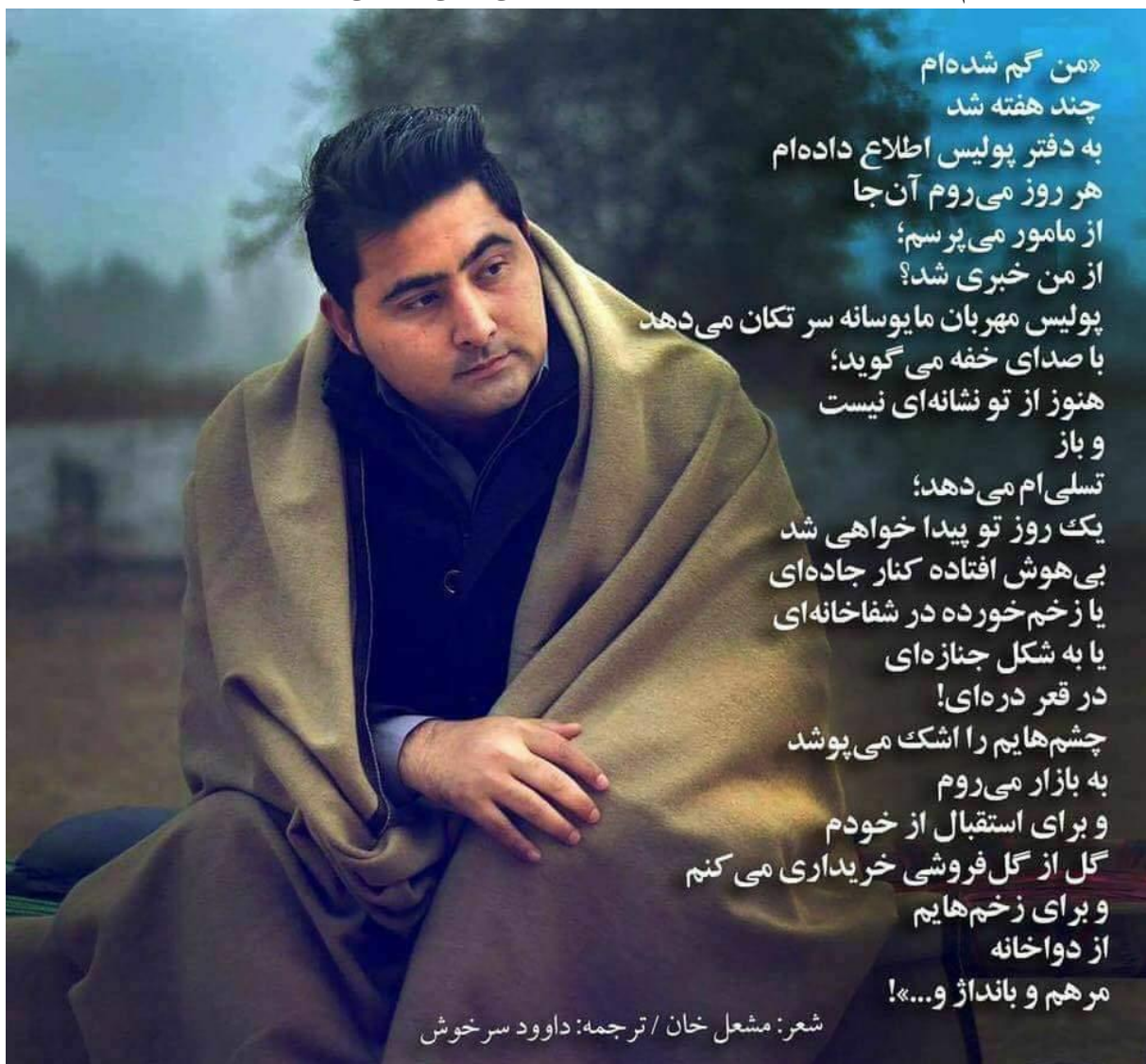
روز پنج‌شنبه ۱۴ آوریل ۲۰۱۷ در دانشگاه عبدالولی خان / مشغل خان دانشجو ۲۳ ساله به جرم کفر گویی توسط خود دانشجویان این دانشگاه در یک حرکت جمعی با چوب و سنگ به قتل رسید. لازم به یاد آوری ست. مذهبیان در نهایت ترس، وحشت زد مشغل خان این دانشجو پرسشگر را با هر وسیله ممکن می‌زدند. و در نهایت بی‌رحمی او را تیکه تیکه و زنده زنده سلاخی کردند/ نه کسی به داد مشغل رسید و نه پلیسی در پی نجاتش برآمد، البته در پاکستان این اتفاقات زیاد است قبل از مشغل مرد دیگری به جرم قرآن سوزی زنده زنده و با حمایت پلیس به آتش کشید شد. و کسی برای نجات او گامی بر نداشت.

جاهلانی که به محمد و خدا باور دارند عاشقان جنایت پیشه و بی‌رحم هستند چون مکتب اسلام بر اساس بی‌رحمی و خشنونت پا گرفت است

با نهایت تأسف باید گفت دنیا پر از جاهلت و افسوسگرایست

مشغل خان شاعر و نویسنده شمع روشن شبهای تاریک در پاکستان بود

مشغل خان انسان بزرگ و به یادماندنی است. که در پاکستان به دست اسلام سیاسی با شکنجه به دلیل گفتن حقایق "کفر گفتن" کشته شد، وحشیانه کشت شد، راه او پر رهرو باد، یاد او همیشه در دلها زنده خواهد ماند، زنده باد بی‌خدایی، زنده باد انسانهای لایک و بی‌دین که اختیار را برگزیدن. مشغل خان من تو را شاهد می‌گیریم، فرخنده دختری که در کابل کشته شد را شاهد می‌گیرم، فاروق - را شاهد می‌گیرم و با صدای رسا خواهم گفت حق با مشغل خان بود، زنده باد بیخدایی. شمی صلواتی



«من گم شده‌ام  
چند هفته شد  
به دفتر پولیس اطلاع داده‌ام  
هر روز می‌روم آن‌جا  
از مامور می‌پرسم؛  
از من خبری شد؟  
پولیس مهربان مایوسانه سر تکان می‌دهد  
با صدای خفه می‌گوید؛  
هنوز از تو نشانه‌ای نیست  
و باز  
تسلی‌ام می‌دهد؛  
یک روز تو پیدا خواهی شد  
بی‌هوش افتاده کنار جاده‌ای  
یا زخم‌خورده در شفاخانه‌ای  
یا به شکل جنازه‌ای  
در قعر دره‌ای!  
چشم‌هایم را اشک می‌پوشد  
به بازار می‌روم  
و برای استقبال از خودم  
گل از گل فروشی خریداری می‌کنم  
و برای زخم‌هایم  
از دواخانه  
مرهم و بانداژ و...»!

شعر: مشعل خان / ترجمه: داوود سرخوش